

مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق اختراعات نظامی در نظام حقوقی ایران

سید محمد امین حسینی^۱، مجید وزیری^۲، مرتضی چیت‌سازیان^۳

چکیده

اختراعات نظامی مانند دیگر اختراعات، حداقل روی کاغذ، از طیفی از حقوق مشخص برخوردار است. در نتیجه، نقض این حقوق، برای ناقضانش، مسئولیت مدنی به همراه دارد. با این وجود، تعیین مبنای مسئولیت مدنی ناقضان حقوق اختراعات نظامی برخلاف دیگر حقوق که پیچیدگی‌های زیادی دارد، با سختی‌های مضاعف‌تر همراه است؛ زیرا برخلاف اختراعات صنعتی که از حمایت قانونی مسلّم برخوردار است، اختراعات نظامی از چنین حمایت قاطعی بی‌بهره است.

در برخی کشورها هم چون آمریکا، حمایت از اختراعات نظامی از رژیم حقوق مالکیت تبعیت نمی‌کند و مخترعان نظامی حقوق معنوی ندارند. در کشورهایی که از رژیم حقوق مالکیتی تبعیت می‌کنند، این تبعیت مطلق نیست و مخترعان نظامی از حداقل حمایت‌های قانونی برخوردارند. پس می‌توان ادعا کرد که رژیم غالب در اختراعات نظامی، رژیم اسراری است و نقض حقوق مخترعان نظامی قابلیت جبران ندارد. اختراعات نظامی با مفاهیمی مانند قدرت نظامی و امنیت ملی نیز پیوند ناگستنی دارند و همین پیوند سبب در نظر گرفتن شدیدترین مبنای مسئولیت مدنی شده است و امری که در اختراعات نظامی، قاعده به شمار می‌رود، در نقض دیگر حقوق به صورت استثنایی دیده می‌شود.

در این پژوهش با روش تحلیلی و توصیفی و با استناد به منابع کتاب‌خانه‌ای در پی پاسخ به این سؤال هستیم که اساساً تعیین مبنای مسئولیت مدنی در اختراعات نظامی تابع چه معیارهایی است و در نهایت، چه مبنایی برای این نقض‌ها مناسب است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد نقض

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: s.hosseini2723@iau.ac.ir

۲. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: maj.vaziri@iauctb.ac.ir

۳. دانشیار، گروه فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری (ره)، تهران، ایران. رایانامه: m.chitsazian@motahari.ac.ir

این اختراعات تابع دو معیار مشخص است: چه کسی نقض کرده است؟ چه اختراعی نقض شده است؟ هر کدام از این معیارها نیز مبنای مشخص خود را می‌طلبند.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، اختراعات نظامی، حقوق مخترعین، حقوق مالکیت، امنیت ملی.

مقدمه

بنا به اذعان کارشناسان نظامی، برتری تکنولوژی، عامل کلیدی است که به کشورها اجازه می‌دهد تا برتری نظامی خود را حفظ کنند. این برتری نظامی هم رابطه تنگاتنگی با امنیت ملی دارد و هم منجر به برخورداری از مزیتی قابل توجه در نظام بین‌المللی می‌شود. بنابراین، برتری تکنولوژی که از ساحت نوآوری برمی‌خیزد، رابطه دو سویه با امنیت ملی دارد. پس بی‌وجه نیست که مطالعات پنتاگون در اوایل دهه ۲۰۰۰ بر نیاز به حفظ برتری فناوری در بسیاری از زمینه‌ها به منظور حفظ «سلطه جنگ» تأکید کرد.^۱ این مطالعات به این نتیجه رسیده بود که توانایی جنگی وزارت دفاع آمریکا به نوآوری مستمر بستگی دارد.^۲

اهمیت این مسئله بر صاحب‌نظران داخلی نیز محرز است. از این رو، تدوین آیین‌نامه ثبت اختراعات، اکتشافات و صنعتی نظامی را می‌توان در این راستا تحلیل کرد. برای نمونه می‌توان به ماده ۴ این آیین‌نامه اشاره کرد: «هرگاه اختراع و اکتشاف در سازمان‌های دفاعی و یا به سفارش و هزینه آن‌ها ایجاد شده باشد و به طور مستقیم یا غیر مستقیم در سیستم‌های دفاعی (سامانه، فناوری، فرآیند و...) قابل استفاده و به کارگیری بوده و توان دفاعی و امنیتی کشور را بالا ببرد، اعم از این‌که کاربرد غیر دفاعی داشته و یا نداشته باشد، دفاعی محسوب و طبق این آیین‌نامه به ثبت خواهند رسید.» در این نگاه با عنایت به شروط مورد نظر از جمله افزایش توان دفاعی و امنیتی، به درستی از حمایت حقوقی سخن به میان آمده است و عبارت اخیر به این نکته اشعار دارد: «طبق این آیین‌نامه به ثبت خواهند رسید».

با توجه به اهمیت این نوآوری‌ها، افزایش قدرت نظامی، نادر بودن درگیری‌های نظامی و دشواری آزمایش تجهیزات در شرایط دنیای واقعی، برای دولت‌ها مهم است که از تجربه‌های تکنولوژیک دیگر کشورها بهره‌مند شوند. علاوه بر این، بهره‌مندی از مزایا و حقوق اختراعات توسط اشخاص حقیقی نیز بر اهمیت روزافزون آن می‌افزاید. در واقع، این نکته، سرآغاز مرحله‌ای است که اشخاص

1. Office of the Deputy Secretary of Defense (Industrial Policy), Defense Industrial Base Capabilities Study: Command and Control, June 2004, 21-22.

2. Defense Industrial Base Capabilities Study: Office of the Under Secretary of Defense (Industrial Policy), Transforming the Defense Industrial Base: A Roadmap (February 2003).

حقیقی یا حقوقی به اختراعات چشم طمع می‌دوزند و امکان سوء استفاده و نقض حقوق مخترعان و مکتشفان را فراهم می‌کند.

اختراعات نظامی با مقوله امنیت ملی و به طور خاص با حقوق عمومی در ارتباطند و نقض حقوق مادی و معنوی آن‌ها چه بسا از سوی دستگاه‌های اداری و اجرایی خارجی و به طور خاص، نیروهای مسلح دیگر کشورها صورت می‌گیرد. در این پژوهش برآنیم ضمن شناسایی مفهوم اختراع نظامی و زمینه‌های نقض آن، مبانی مسئولیت مدنی نقض حقوق معنوی و مادی مخترعان و مکتشفان تبیین گردد. ضرورت این پژوهش در آن است که اصولاً اختراعات نظامی با توجه به ارتباط تنگاتنگ آن با مفهوم امنیت ملی و گوناگونی رژیم‌های حقوقی حاکم بر آن، موقعیتی ممتاز و ویژه دارد و سخن در تبیین مبانی مسئولیت مدنی را سخت می‌کند.

جست‌وجو در پایگاه‌های علمی از جمله نورمگز و ایران‌داک نشان می‌دهد اصولاً پژوهش‌های قابل توجهی در خصوص حقوق اختراعات نظامی صورت نگرفته و در بیش‌تر مواردی که از آن سخن به میان آمده است، ادبیات پژوهشی قابل توجهی ندارد که این مسئله را باید ناشی از کمبود منابع پژوهشی به زبان فارسی دانست. از جمله این منابع، کتاب آشنایی با حقوق اختراعات و اکتشافات نظامی، اثر رحیم بیلوار و رضوان قضا و مقاله «نظام حقوقی حاکم بر ثبت اختراعات نظامی در ایران و آمریکا»، نوشته ابراهیم پارسامهر و محمود صادقی است. در این منابع از مسئولیت مدنی ناقضان حقوق اختراعات نظامی سخنی نیامده است.

گفتار اول. تعریف اختراع نظامی

اختراع در لغت به معنای ابداع، انشا و پدید آوردن چیزی نو آمده^۱ و در اصطلاح نیز از معنای لغوی آن فاصله نگرفته است. در تعریف آن آورده‌اند: «نتیجه فکر فرد یا افراد است که برای اولین بار، فرآیند یا فرآورده‌ای خاص را ارائه می‌کند و مشکلی را در یک «حرفه، فن، فناوری و صنعت» دفاعی و مانند آن‌ها حل می‌نماید».^۲

۱. رهبری، ابراهیم، حقوق اسرار تجاری، تهران: سمت، چاپ پنجم، ۱۳۹۶، ص ۸۸.

۲. ماده ۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری.

همان طور که از این تعریف برمی‌آید، اختراع باید سه ویژگی برجسته داشته باشد: جدید بودن؛ ابتکاری بودن و حل مشکل.^۱ در این صورت، حمایت‌های قانونی متعددی را به همراه دارد که در قالب اعطای حق اختراع انجام می‌شود. حق اختراع، یک حق انحصاری است که در قبال اختراع به مخترع یا نماینده قانونی او برای مدت معین در قالب گواهی‌نامه رسمی اعطا می‌شود.^۲ به موجب حق اختراع، صاحب اختراع از حقوقی ویژه برخوردار می‌شود که بر اساس آن در قبال سوء استفاده و نقض توسط اشخاص ثالث از وی حمایت خواهد شد.

فرآیند اختراع و اعطای حق به آن، طیفی وسیع از فناوری‌ها و صنایع را دربرمی‌گیرد؛ به این معنا که این فرآیند به یک حوزه مشخص محدود نیست، بلکه در هر حوزه‌ای که مفهوم اختراع در آن محقق شود، قانون‌گذار از آن حمایت می‌کند. اختراعات نظامی نیز یکی از این طیف‌هایی است که به حسب مورد، از آن حمایت‌های قانونی می‌شود.

در مورد اختراع نظامی، تعریف روشنی ارائه نشده است، بلکه این تعاریف به حسب سیاست‌های نظامی کشورها متعدد است. به عبارت دیگر، در کشورهای متعدد به جای این که بر مفهوم‌شناسی اختراع نظامی تمرکز شود، سخن از نیازهایی است که کشورها دارند. بنابراین، در سطح جهانی ممکن است یک فناوری نظامی برای کشوری، اختراع محسوب شود، ولی برای یک کشور یا کشورهای دیگر چنین نباشد. به هر روی، برخی در تعریف اختراع نظامی آورده‌اند: «اختراعات نظامی به اختراعات مرتبط با صنایع دفاعی گفته می‌شود که عمدتاً با هدف تأمین امنیت ملی توسعه می‌یابد».^۳

این تعریف از ابعاد متعددی قابل خدشه است؛ زیرا اختراعات نظامی لزوماً با هدف تأمین امنیت ملی انجام نمی‌شود، بلکه امروزه چشم‌داشت‌های غیر امنیتی نیز در این عرصه وجود دارد. این اختراعات در کنار نقش امنیتی از نظر اقتصادی و کاربردهای غیر نظامی نیز اهمیت بالا دارند. این

۱. میرحسینی، سید حسن، مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۵، صص ۶۸-۷۲.

۲. شاکری، زهرا و زهرا بهادری جهرمی، «سخنی در انواع نظام‌های ثبت اختراع: با نگاهی به برخی اصول ثبتی»، تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، زمستان ۱۳۹۷، شماره ۱، ص ۱۹۶؛ عمادزاده، محمدکاظم، حقوق بازرگانی (جلد ۱)، تهران: آموخته، چاپ سوم، ۱۳۸۸، ص ۱۰۰.

3. Horowitz, M. C., & Pindyck, S. (2023). What is a military innovation and why it matters. *Journal of Strategic Studies*, 46(1), 85-114: www.doi.org/10.1080/01402390.2022.2038572.

اهمیت حداقل از سه طریق توجیه می‌شود:

۱. دانش فناورانه نظامی می‌تواند ضمن سرریز شدن بر بخش غیر نظامی به کسب وکارها یاری رساند تا از این دانش برای تولید محصولات جدید غیر نظامی استفاده کنند یا فرآیندهای خود را بهبود دهند که این امر برای توسعه فناورانه کشورها ضروری است.
۲. مطالعات اقتصادسنجی نشان می‌دهند که تحقیق و توسعه نظامی با رشد اقتصادی ارتباط مثبت دارد.
۳. وجود منافع جنبی از سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نظامی (اگر صنایع نظامی، بستری برای پشتیبانی فناورانه صنایع دیگر شوند) باعث می‌شود کسب وکارهای غیر سنتی نیز در حوزه‌های نظامی سرمایه‌گذاری کند.^۱

آن‌چه این توجیهات را تقویت می‌کند، رقابت‌های شدید کشورهای پیشرفته در صادرات تسلیحات به کشورهای نیازمند است.^۲

این تعریف با ویژگی‌هایی که برای اختراع نظامی در آیین‌نامه ثبت اختراعات، اکتشافات و صنعتی نظامی در جمهوری اسلامی ایران نیز مطرح شده است، سازگاری ندارد. این آیین‌نامه، عواملی را که موجب می‌شود به یک محصول نظامی، حق اختراع تعلق گیرد، چنین احصا کرده است:

۱. ابداعی بودن آن (بند ۱ ماده ۳)
۲. رفع مشکل (بند ۱ ماده ۳)
۳. کاربرد نظامی داشتن (ماده ۴)
۴. افزایش توان ملی و امنیتی (ماده ۴)

بنا بر آن‌چه گفته شد، تعریف اخیر را نمی‌توان تعریف جامع و مانع دانست. از این رو، برخی نویسندگان از این تعریف عدول کرده و در تعریفی دیگر آورده‌اند: «اختراع نظامی عبارت است از هر نوع اختراع یا اکتشافی که قابلیت کاربرد نظامی را داشته باشد و منجر به افزایش توان نظامی و

1.. Robert Farley and Davida H. Isaacs. Intellectual Property and Military Diffusion, 2013 American Political Science Association Conferen, p.11.

2.João Resende-Santos, Neorealism, States, and the Modern Mass Army [Kindle Edition] (New York: Cambridge UP, 2007), pp. 47-8.

امنیتی کشور شود، فارغ از این‌که توسط سازمان‌های نظامی اختراع شده باشد یا سازمان‌های غیر نظامی و هم‌چنین فارغ از این‌که کاربرد غیر نظامی داشته باشد یا نه»^۱.

گفتار دوم. نقض حقوق اختراعات نظامی؛ بحثی در زمینه‌ها و چرایی آن

نقض اختراعات نظامی به یکی از این شیوه‌ها انجام می‌شود:

بند اول. مهندسی معکوس

دسترسی فیزیکی به اختراعات با استفاده از فناوری جدید و مهندسی معکوس آن برای تعیین جنبه‌های نوآورانه و به‌کارگیری آن، یکی از ابزارهایی است که در دهه‌های گذشته نمود بیش‌تری دارد. در این روش، فناوری اعم از این‌که از راه قانونی به دست آمده باشد یا غیر قانونی، در اختیار شخص یا دولت قرار می‌گیرد و به مهندسی معکوس آن دست می‌زند. به عنوان یک موضوع عملی، مهندسی معکوس فناوری خارجی برای تولید داخلی با چندین مانع دشوار مواجه است. اولین مانع این است که کسی که مهندسی معکوس می‌کند، باید با پیچیدگی‌های صنعتی و فناوری هدف آشنایی داشته باشد و اگر چنین نباشد، نمی‌تواند اجزای مورد نظر فناوری هدف را تولید کند؛^۲ زیرا به اسرار نظامی مرتبط با ساخت سیستم دسترسی ندارد^۳ و صرفاً به نمونه‌ای از ساخت آن دسترسی دارد. این مسئله می‌تواند تکثیر سیستم‌های خارجی را به فرآیندی پرهزینه و زمان‌بر تبدیل کند؛ زیرا مالک باید روش‌های تولید را از ابتدا توسعه دهد. در بدترین حالت می‌تواند به اجزای کاملاً غیر استاندارد منجر شود که قابلیت‌های یک سیستم را کاهش می‌دهند. برای مثال، تلاش‌های متخصصان چینی برای مهندسی معکوس موتورهای جت روسی در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ همواره موتورهایی با طول عمر بسیار کوتاه و بدون قدرت هم‌تایان روسی خود تولید کرد. در مجموع، مهندسی معکوس کل یک سیستم عموماً هزینه‌های گزافی دارد.

۱. پارسامهر، ابراهیم و محمود صادقی، «نظام حقوقی حاکم بر ثبت اختراعات نظامی در ایران و آمریکا»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره بیست و سوم، شماره ۱، ۱۳۹۸، ص ۲۶.

2. Stuart Macdonald, "Nothing Either Good or Bad: Industrial Espionage and Technology Transfer," International Journal of Technology Management 8 (1/2) (1993), p. 95.

3. Wendell Minnick, "Experts: China Still Lags West in Advanced Aircraft Technologies," Defense News, August 3, 2014; www.archive.defensenews.com/article/20140803/DEFREG03/308030011/Experts China-Still-Lags-West-Advanced-Aircraft-Technologies.

دشواری مهندسی معکوس به شکاف بین قابلیت‌های صنعتی هدف و تصاحب‌کننده و مقدار اطلاعاتی بستگی دارد که تصاحب‌کننده به دست آورده است. اگر اولی به اندازه کافی، کوچک و دومی به اندازه کافی، بزرگ باشد، یک متصرف می‌تواند کار لازم برای کپی کردن یک سیستم یا حداقل یک گروه از زیرسیستم‌ها را با سودآوری انجام دهد. با این حال، در برخی موارد، مهندسی معکوس منطقی است. کشورهایی که توانایی صنعتی و تکنولوژیکی برای مهندسی معکوس یک سیستم پیچیده را دارند، عموماً این ظرفیت را دارند که در کار طراحی خود شرکت کنند. طرح‌های داخلی به این معناست که سازنده می‌تواند روی ویژگی‌های سلاحی که می‌خواهد تمرکز کند، نه این‌که روی سیستمی که یک تولیدکننده خارجی طراحی کرده است.

علاوه بر مانع نخست، کشورهایی که مهندسی معکوس می‌کنند، به اطلاعات مرتبط با طراحی و آزمایش سیستم مورد نظر دسترسی ندارند. سیستم‌های تسلیحاتی مدرن در طول فرآیند توسعه، حجمی فوق‌العاده از داده‌ها را تولید می‌کنند؛ زیرا مدل‌های رایانه‌ای، تیفی گسترده از سناریوها را با توجه به اجزای فناوری بررسی می‌کنند. کشور صاحب امتیاز عموماً به این داده‌ها دسترسی ندارد. از این رو، نتیجه‌گیری درست و منطقی در مورد تحمل مواد خاص یا حتی هدف اجزای فرعی فناوری رادشوار می‌کند.

بند دوم. جاسوسی از افراد

در این روش، اطلاعات فناوری از یک منبع داخلی خریداری می‌شود. با این وجود، این نحوه از جاسوسی و به تبع آن، خرید اطلاعات فناوری منجر به نقض قراردادهای کارفرما یا انحصارات قراردادی نظامی یا مسئولیت کیفری احتمالی برای جاسوس می‌شود و عملیاتی بسیار پرخطر است.

بند سوم. جاسوسی سایبری

پی‌آمدها و ریسک‌های ابزارهای پیشین و قابلیت‌های بسیار قابل توجه جاسوسی سایبری باعث شده است که بسیاری از کشورهای جاه‌طلب به جاسوسی سایبری روی آورند. شواهد نشان می‌دهد که سازمان‌های نظامی دقیقاً این نوع سیستم‌ها را هدف قرار داده‌اند. در نتیجه، به جای کپی کردن

1. Hasik, James, "Better Buying Power or Better Off Not? Purchasing Technical Data for Weapon Systems", Defense Acquisition Research Journal, 21 (3) (July 2014), p. 697. See also: Gilli, Andrea, and Mauro Gilli, "The Diffusion of Drone Warfare? Industrial, Organizational, and Infrastructural Constraints", Security Studies 25, No. 1 (2016), pp. 50-84.

کل سلاح‌ها می‌کوشند به داده‌های فناوری‌های نظامی دسترسی پیدا کنند. این فناوری‌ها عمدتاً شامل فناوری‌های «کاربرد دوگانه» است که بسیاری از کشورها از جمله آمریکا در طول تاریخ به دنبال ممنوعیت صادرات آن‌ها هستند. علاوه بر این، هکرها، شرکت‌های حقوقی، شرکت‌های خصوصی، شرکای خارجی و واسطه‌های مختلفی را هدف قرار می‌دهند که به داده‌های مربوط به استفاده چندگانه فن‌آوری‌های نظامی دسترسی دارند.^۱

۱. تعریف جاسوسی سایبری

فضای سایبری، رسانه‌ای الکترونیک است که برای تسهیل ارتباطات آنلاین استفاده می‌شود. فضای مجازی معمولاً شامل یک شبکه رایانه‌ای بزرگ است که از بسیاری از زیرشبکه‌های رایانه‌ای در سراسر جهان تشکیل شده است که از پروتکل TCP/IP برای کمک به فعالیت‌های ارتباطی و تبادل داده‌ها استفاده می‌کنند. در واقع، فضای سایبری، شبکه‌ای از ریزپردازنده‌ها، مین‌فریم‌ها و رایانه‌های اصلی است که در فضای دیجیتال عمل می‌کنند. فضای مجازی دارای عناصر فیزیکی است؛ زیرا این ریزپردازنده‌ها، مین‌فریم‌ها و رایانه‌ها، سیستم‌هایی با موقعیت فیزیکی هستند. بنابراین، فضای مجازی، یک محیط فیزیکی و فناوری اجتماعی است که هر چند حوزه مجزا و مشخصی دارد، اما با حوزه‌ها و لایه‌های دیگر تعامل و ترکیب می‌شود.^۲

این فضا، پدیده‌ای مثبت تلقی می‌شود، ولی زمینه‌های سوء استفاده از این پدیده نیز رایج است. این نحوه تعامل با فضای سایبری بسته به اهمیت آن، زمینه‌های حقوقی متعددی را فراهم می‌کند. از جمله این زمینه‌های حقوقی، نقض حقوق اختراعات نظامی است که آن را در قالب مفهوم جاسوسی سایبری بازتعریف می‌کنند. جاسوسی سایبری که گاهی از آن به خراب‌کاری یا جنگ سایبری یاد می‌کنند، در بستر فضای سایبری واقع می‌شود و در تعریف آن آورده‌اند: «استفاده از فناوری‌های محاسباتی برای اهداف بدخواهانه و مخرب به منظور تأثیر، تغییر یا اصلاح تعاملات

1. Vincent, James, "Schematics from Israel's Iron Dome Missile Shield 'Hacked' by Chinese, Says Report," The Independent, July 29, 2014: www.independent.co.uk/life-style/gadgets-and-tech/israels-irondome-missile-shield-hacked-by-chinese-military-hackers-says-report-9635619.ht.

2. Brandon Valeriano and Ryan Maness. *Cyber War versus Cyber Realities: Cyber Conflict in the International System* (Oxford: Oxford University Press, 2015), p. 24.

دیپلماتیک و نظامی بین دولت‌ها.» در واقع، جاسوسی سایبری به عملکرد برخی از اشخاص حقیقی یا حقوقی اشاره می‌کند که سازمان‌های امنیت سایبری و اطلاعاتی خود را مأمور یا تشویق می‌کنند تا از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای انجام سرقت فناوری‌های در دیگر کشورها استفاده کنند و آن را در اختیار اشخاص حقیقی یا حقوقی قرار دهند.

۲. زمینه‌های جاسوسی سایبری

در طول جنگ سرد، بسیاری از کشورهای پیشرفته از جمله ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی که عمده تسلیحات پیشرفته نظامی را در اختیار داشته‌اند، با نگرانی‌هایی در مورد تصاحب غیر قانونی فناوری‌های نظامی توسط کشورهای ثالث که برخی از آن‌ها از طریق بررسی اسناد IP رخ می‌داد، مواجه شدند. در شرایط پس از جنگ سرد، این نگرانی‌ها تشدید یافت؛ زیرا گسترش استفاده از IP، پنجره‌ای برای سرقت گشود.^۱ این امر به ویژه در مورد فناوری‌های نظامی که کاربرد دوگانه دارند، بیش‌تر نمود می‌یابد؛ زیرا در این گونه از فناوری‌ها، احتمال کم‌تری هست که از ابتدا با حفاظت‌های محرمانه ایجاد شده باشند.

نمونه‌ای از این اتهام‌ها را می‌توان نسبت به چین مشاهده کرد. در سال‌های اخیر، منابع مختلف (از جمله دولت ایالات متحده آمریکا و چندین شرکت خصوصی)، چین را به تصاحب مقدار زیادی IP از آمریکا متهم کرده‌اند که بیش‌تر آن مربوط به امور نظامی است.^۲ به ادعای کارشناسان، شواهدی قانع‌کننده وجود دارد که نشان می‌دهد کشورهایی هم‌چون چین با استفاده از جاسوسی سایبری برای دسترسی به ادوات نظامی و حتی صنعتی توسعه یافته به عنوان بخشی از رژیم حقوقی IP، از اقدامات مربوط به IP دیگران استفاده می‌کنند.^۳

1. Carl Roper, *Trade Secret Theft, Industrial Espionage, and the China Threat*. Boca Raton: CRC Press, 2014, p. 197.

2. Center, Mandiant Intelligence, "APT1: Exposing one of China's cyber espionage units": www.Mandian.com.

3. Bree Feng, "Among Snowden Leaks, Details of Chinese Cyberespionage", *New York Times*, January 20, 2015: www.sinosphere.blogs.nytimes.com/2015/01/20/among-snowden-leaks-details-of-chinesecyberespionage; Philip Dorling, "China Stole Plans for a New Fighter Plane, Spy Documents Have Revealed," *Sydney Morning Herald*, January 18, 2015: www.smh.com.au/national/china-stoleplans-for-a-new-fighter-plane-spy-documents-have-revealed-20150118-12sp1o.h.

کمیت و کیفیت و کندی و سرعت این روند تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد، مانند این‌که:^۱

۱. امروزه قراردادهای نظامی به طور پیوسته پیچیده‌تر شده‌اند؛ زیرا این قراردادها صرفاً قرارداد نظامی نیستند، بلکه پای مطالبات سیاسی و منافع سیاسی نیز در آن دیده می‌شود. از این رو، امروزه مشاهده می‌شود بسیاری از کشورها، قراردادهای نظامی را با کسانی منعقد می‌کنند که در مطالبات سیاسی هم‌سوئی دارند.

۲. کشورها برای دسترسی بیش‌تر به منابع مالی به صادرات ادوات نظامی دست می‌زنند و در این عرصه، رقابت‌های تنگاتنگی میان کشورها برقرار است. این مسئله باعث شده است شکلی تازه از قراردادها شکل بگیرند که در آن، صرف صادرات ادوات نظامی مطرح نیست، بلکه با انتقال فناوری همراه است. برای مثال، برای فروش جت‌های جنگنده، شرکت‌های آمریکایی باید با ساخت قطعات در کشور مشتری و هم‌چنین انتقال فناوری مرتبط با سیستم تسلیحاتی موافقت کنند.

۳. اتحاد بین شرکت‌های نظامی و غیر نظامی برای تولید و توسعه فناوری نظامی اهمیت بیش‌تری پیدا کرده است. به اذعان برخی از کارشناسان نظامی، بسیاری از شناخته‌شده‌ترین سیستم‌های نظامی دهه‌های گذشته از اتحاد بین تولیدکنندگان بزرگ دفاعی سنتی و شرکت‌های کوچک و غیر سنتی پدید آمده‌اند. این اتحادها ذاتاً ظرفیت درگیری بر سر مالکیت فناوری و اسرار تجاری را هم بین خود شرکت‌ها و هم بین شرکت‌ها و دولت ایجاد می‌کنند. اتحادها میان شرکت‌ها و دولت، مستلزم درجه‌ای از ارتباط بین سازمان‌های مختلف است. در نتیجه، خدمات نظامی، پیمانکاران، پیمانکاران فرعی، شرکت‌های دفاعی و شرکت‌های حقوقی همگی تا حدودی به اسرار حیاتی دسترسی دارند و در نتیجه، این تغییرات در ماهیت مجموعه صنعتی دفاعی و به طور گسترده‌تر، سرمایه‌داری مدرن، آسیب‌پذیری بیش‌تری را برای دسترسی غیر مجاز فراهم کرده است. علاوه بر این، تخصصی شدن شرکت‌ها، ارتباطات بین شرکتی را افزایش می‌دهد که منجر به آسیب‌پذیری‌های ارتباطی می‌شود.

۴. اهمیت فناوری‌های با کاربرد دوگانه، به‌ویژه در بخش‌های محاسباتی و ارتباطاتی، روابط شرکت‌ها را با دولت پیچیده‌تر کرده است. در حالی که بیش‌تر شرکت‌ها، فروش به دولت را دوست دارند،

1. Robert Farley and Davida H. Isaacs. **Intellectual Property and Military Diffusion**, 2013 American Political Science Association Conference, pp. 6-12.

تعداد کمی از ارائه‌دهندگان غیر سنتی دولت و به طور اخص، وزارت دفاع را به عنوان تنها مشتری خود تصور می‌کنند. در عوض، آن‌ها قصد دارند نوآوری‌های تکنولوژیکی خود را در بازار آزاد بفروشند. بنابراین، منافع دولت در به دست آوردن حقوق مالکیت اطلاعات، حق ثبت اختراع و اسرار تجاری شرکت‌هایی که فناوری‌های استفاده دوگانه را توسعه می‌دهند، به طور مستقیم با تلاش‌های تجاری آن‌ها تضاد دارد.

مجموعه این عوامل به خوبی نشان می‌دهد که چگونه مالکیت فکری اختراعات نظامی به ابزاری برای دسترسی غیر مجاز کشورهای ثالث تبدیل گردیده است.

گفتار سوم. مسئولیت نقض‌کننده

در این بخش به بررسی مبانی مسئولیت مدنی نقض حقوق مخترعان نظامی خواهیم پرداخت.

بند اول. مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی

ممکن است اشخاص حقیقی بدون کمک و حمایت دولت‌ها برای رسیدن به اهداف سوء مورد نظر خود به نقض اختراع نظامی اقدام کرده باشند. این نقض گاهی در بستر فضای سایبری انجام می‌شود و گاهی در بستر فیزیکی. تعیین مبانی مسئولیت مدنی نقض اختراع نظامی در هر دو طیفی که ذکرش آمد، با دشواری‌های جدی همراه است؛ زیرا از طرفی، مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران، در بسیاری از جنبه‌ها همواره آشفته است که ناشی از خلط مبانی فقهی و حقوقی است. برای حفظ هر دو مبنا (فقهی و حقوقی)، نصوصی به تصویب می‌رسد که عملاً نمی‌توان مبناهای روشنی از آن استنباط کرد. علاوه بر این، نگاه وحدت‌گرا به مبانی مسئولیت مدنی و سکوت در مسائل حقوقی بر آشفتگی مطالب پیشین می‌افزاید.^۱ مسئولیت مدنی نقض اختراعات نظامی نیز به همین آشفتگی دچار است؛ زیرا در آیین‌نامه ثبت اختراعات، اکتشافات و صنعتی نظامی در جمهوری اسلامی ایران، سخنی از مسئولیت مدنی ناقضان اختراعات نظامی به میان نیامده

۱. نک: رحیمی، حبیب‌الله و سید نورالله شاهرخی، «مطالعه انتقادی کثرت‌گرایی و برخی نظریات کثرت‌گرا در حوزه مبانی فلسفی مسئولیت مدنی»، مجله حقوق تطبیقی، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، شماره ۲۶، صص ۶۰۱-۵۷۷؛ بابایی، ایرج، «مسئولیت مدنی؛ منطق واحد یا متکثر»، مجله پژوهش حقوق خصوصی، مهر ۱۴۰۲، شماره ۴۴، صص ۹۷-۱۳۰.

و قانون‌گذار به طور مطلق در مورد آن سکوت اختیار کرده است و حتی کوچک‌ترین اشاره‌ای به آن نمی‌کند، خواه به دلالت مطابقی، خواه به دلالت ضمنی و خواه به دلالت التزامی. این در حالی است که موقعیت ویژه و ممتاز این آیین‌نامه اقتضا داشت به این مسئله نیز ورود می‌کرد. از طرف دیگر، در قوانین و مقررات مشابه از جمله در قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب سال ۱۳۱۰ و قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری مصوب ۱۳۸۶ نیز که به تبیین مقررات کلی اختراعات پرداخته‌اند و می‌توانستیم در موارد خلأ قانونی از آن‌ها بهره ببریم، از مبانی مسئولیت مدنی سخنی به میان نیامده است.

با وجود این تنگناها، ماده ۳۱ آیین‌نامه یادشده اذعان می‌کند که در موارد سه‌گانه یعنی سکوت، اجمال و تفسیر می‌توان به قوانین دیگر رجوع کرد. این ماده مقرر می‌دارد: «در مواردی که در این آیین‌نامه مسکوت مانده و یا به طور کامل و واضح ذکر نگردیده و یا نیاز به تفسیر دارد، بر اساس قوانین و مقررات مربوطه و جاری کشور عمل خواهد شد.» با تبعیت از این ماده، با توجه به سکوت قانون‌گذار، برای تبیین مبانی مسئولیت مدنی باید به قوانین دیگر رجوع کرد.

در مورد نقض‌هایی که از طریق فضای سایبری انجام می‌شود، دو راه برای تبیین مبانی مسئولیت مدنی قابل تصور است: رجوع به قوانین و مقررات عام مسئولیت مدنی و قوانین و مقرراتی که در حوزه فضای سایبری تدوین یافته است. به حسب قوانین و مقررات عام مسئولیت مدنی که به واقع، مشخص‌کننده قاعده اولیه است، هرچند دکترین حقوقی ایران، نظریات گوناگونی ابراز داشته‌اند، نظریه انتساب عرفی و نظریه تقصیر به طور نسبی تثبیت شده است. مطابق نظریه انتساب عرفی، صرف این‌که خسارت عرفاً به کسی منتسب باشد، کافی در ایجاد مسئولیت مدنی و در مواردی که در آن سخن از تقصیر به میان آمده است، بدین معنا نیست که تقصیر مبنای مسئولیت تلقی شده است، بلکه این تقصیر، احرازکننده رابطه سببی میان خسارت و خسارت‌زنده است.^۱ کسانی که از این نظریه پیروی می‌کنند، این‌گونه استدلال می‌کنند که قانون مدنی ایران به تبعیت از فقه امامیه، مبنای مسئولیت مدنی را اتلاف و تسبیب قرار داده و در هر دو مفهوم، سخنی از تقصیر به میان نیامده است. مطابق نظریه تقصیر، شخص زمانی مسئول جبران خسارت می‌شود که تقصیر

۱. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۵۲؛ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد ۱)، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۴۳۱.

وی احراز شود.^۱ کسانی که از این نظریه پیروی می‌کنند، جدا از مزیت‌ها و شهرت و مقبولیت جهانی آن، به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ تمسک می‌کنند.

بر حسب مقررات ثانویه و فرعی، آیین‌نامه واحدهای ارائه‌کننده خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت رسا (ISP) و آیین‌نامه نحوه ارائه خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت متضمن نظریه‌هایی است که با قواعد عام و اولیه سازگار نیست. اگر اشخاص از طریق ارائه‌کننده خدمات اینترنتی (رساها) اقدام به نقض کرده باشند، به حسب مورد، مبنای مشخصی می‌طلبند. اگر خود رساها، عامل نقض اختراع نظامی باشند یا زمینه نقض را فراهم کنند، مانند این‌که به حسب متعارف، رساها موظفند اعمال مراقبتی متعارفی داشته باشند، در این صورت، رساها مسئول جبران خسارتند، ولی در این‌که مطابق چه مبنایی، رساها، مسئول خسارت تلقی می‌شوند، وحدت نظر وجود ندارد. برخی بر این عقیده‌اند که مسئولیت رساها محض است؛ زیرا اولاً ذاتاً عملکردشان با توجه به این‌که از یک طرف در معرض خطرات سایبری قرار دارند و از طرف دیگر، کنترل کاملی بر کاربران ندارند، خطرآفرین است. ثانیاً غالباً اثبات تقصیر در فضای اینترنت سخت و مشکل است.^۲ این نظریه، موافق ماده ۴ آیین‌نامه نحوه ارائه خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت نیز هست. در مقابل، برخی اظهار داشته‌اند که مبنای مسئولیت رساها، نظریه تقصیر است. کسانی که از این دیدگاه پیروی می‌کنند، علاوه بر استناد به قاعده عام مسئولیت مدنی که مبتنی بر نظریه تقصیر است، به آیین‌نامه واحدهای ارائه‌کننده خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت مصوب ۱۳۸۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز استناد می‌کنند: «مسئولیت رسا در مورد دسترسی به اطلاعات عرضه‌شده توسط دیگران، محدود به ایجاد امکان و اعمال برقراری پالایه در شبکه خواهد بود».^۳

در مقابل، اگر نقض اختراع نظامی ناشی از اعمال کاربران باشد، بنا بر نظر برخی دیگر، کاربران هم چنان مسئولیتی در قبال ورود خسارات به دیگران ندارند، بلکه مسئولیت ورود خسارات بر عهده رساهاست. این دسته به دلایلی که در صورت نخست مطرح شده است، استناد می‌کنند. در مقابل،

۱. صفایی، سید حسین و همکاران، حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۴، ص ۲۹۹.

۲. ابهری، حمید و حمید میری، «مطالعه تطبیقی مبانی مسئولیت مدنی ارائه‌کنندگان خدمات اینترنتی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۳، صص ۴-۵.

۳. همان.

عده‌ای بر این عقیده‌اند که اصل، عدم مسئولیت اعمال دیگران است و در نتیجه، مسئولیت رساها، محدود به مواردی است که خود رساها زمینه ورود خسارت را فراهم کنند.^۱

هر کدام از صاحب‌نظران از نظر قواعد اولیه و ثانویه، دیدگاه‌هایی مختلف با ادله قابل توجه ارائه کرده‌اند. به نظر می‌رسد در نقض اختراعات نظامی، عوامل دیگری را باید در نظر گرفت که در تعیین مبنای مسئولیت مدنی نقش دارد. در موقعیت‌های گوناگون با توجه به عوامل متعدد، مبنای مسئولیت مدنی تغییر پیدا می‌کند. برای مثال، در روابط بین کارگر و کارفرما، با توجه به موقعیت ضعیف کارگر از نظر اقتصادی و دیگر جنبه‌ها، تمایل حقوق‌دانان این است که از نظریه مسئولیت محض یا نظریه‌های انتساب عرفی دوری جویند،^۲ همان‌گونه عده‌ای از حقوق‌دانان در مورد اعمال کاربران در حیطه فضای سایبری چنین نظری دارند یا در غصب، فقهیان با تحقق عنوان غصب، غاصب را مسئول جبران خسارت دانسته‌اند، ولو این‌که خود او، مسبب و متلف مال مغضوب نباشد.^۳ در مورد تصرف در ملک یا حقوق خود نیز که منجر به اضرار به غیر باشد، ماده ۱۳۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود، مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.» همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در موقعیت‌های مختلف، مبنای مسئولیت مدنی تغییر پیدا می‌کند.

در نقض اختراعات نظامی نیز فارغ از این‌که قواعد اولیه و ثانویه چه اقتضا می‌کند، باید موقعیت ویژه اختراعات نظامی را در نظر گرفت؛ زیرا سیر ثبت اختراعات نظامی به گونه‌ای است که بیش‌تر از رژیم اسرار تجاری یا در نهایت، از رژیم مالکیتی محرمانه بهره می‌گیرد.^۴ چه بسا این ویژه‌انگاری باعث شده است در قوانین و مقررات مرتبط با ثبت اختراعات، سخنی از اختراعات نظامی نیاید. ریشه این ویژه‌انگاری را باید در رابطه تنگاتنگ اختراعات نظامی با مفهوم امنیت ملی مشاهده کرد.

۱. همان، ص ۱۵.

۲. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی: وقایع حقوقی مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم، ۱۳۹۰، ص ۲۵.

۳. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (جلد ۱۰)، قم: مکتبه الداوری، ۱۴۱۰، ص ۲۲۱.

۴. Morrison, James, *Intellectual Property & National Security*, 6 U. Cin. Intell. Prop. & Computer L.J. (2021) Available at: www.scholarship.law.uc.edu/ipclj/vol6/iss1/8.

امنیت ملی از نظر ماهیتی به شدت متشکلت است؛ زیرا از یک طرف، این مفهوم با مفاهیم نظامی و سیاسی گره خورده است و از طرف دیگر، صاحب نظران سعی کرده‌اند نگرانی‌های غیر نظامی و سیاسی را نیز در ماهیت امنیت ملی بگنجانند. به دلیل همین تشکلت‌هاست که تعاریف گوناگونی از امنیت ملی ارائه شده است: «وضعیت قابل اندازه‌گیری توانایی یک ملت برای غلبه بر تهدیدهای چند بعدی برای رفاه ظاهری مردم و بقای آن به عنوان یک دولت-ملت در هر زمان معین، از طریق ایجاد تعادل در همه ابزارهای دولت است.»^۱ «معنای متمایز امنیت ملی به معنای رهایی از دیکته‌های خارجی است.»^۲ «امنیت ملی، ترکیبی مناسب و تهاجمی از انعطاف و بلوغ سیاسی، منابع انسانی، ساختار و ظرفیت اقتصادی، شایستگی فناوری، پایگاه صنعتی و در دسترس بودن منابع طبیعی و در نهایت، توان نظامی است.»^۳ هم‌چنین «امنیت ملی، توانایی حفظ تمامیت فیزیکی و قلمرو کشور، حفظ روابط اقتصادی خود با سایر نقاط جهان در شرایط معقول، حفظ ماهیت، نهاد و حکومت آن از اخلال از خارج و کنترل مرزهای آن است.»^۴ پس امنیت ملی در کنار دیگر ابعاد، یک پایه ثابت دارد که توانایی نظامی است و حفظ توانایی نظامی با نوآوری ارتباط تنگاتنگ دارد.

بنا بر آن چه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که نقض اختراعات نظامی، نقض امنیت ملی یک کشور است و مقتضای این روند آن است که مبنایی بازدارنده در نظر گرفته شود. از میان مبنایی به نظر می‌رسد مسئولیت محض با وضعیت خطیر نقض امنیت ملی متناسب باشد. با این وجود، این گونه نیست که همیشه بتوان این مبنا را اعمال کرد؛ زیرا اختراعات نظامی بنا بر آن چه در آیین‌نامه ثبت اختراعات نظامی مطرح شده است، به دو دسته تقسیم می‌شود: اختراعاتی که حیاتی یا ضروری است و اختراعاتی که این گونه نیست (مستنبط از ماده ۱۲ آیین‌نامه). در صورت نخست، مبنای

1.. Paleri, Prabhakaran (2008). **National Security: Imperatives And Challenges**. New Delhi: Tata McGraw-Hill. ISBN 978-0-07-065686-4.

2..Romm, Joseph J. (1993), **Defining national security: the nonmilitary aspects**, Pew Project on America's Task in a Changed World (Pew Project Series). Council on Foreign Relations, p. 122.

3..Definition from "**Proceedings of Seminar on "A Maritime Strategy for India"** (1996). National Defence College, Tees January Marg, New Delhi, India. quoted in Paleri, 2008.

4. Brown, Harold (1983) **Thinking about national security: defense and foreign policy in a dangerous world**. As quoted in Watson, Cynthia Ann (2008). U.S. national security: a reference handbook. Contemporary world issues (2 (revised) ed.). ABC-CLIO. pp. 281. ISBN 978-1-59884-041-4. Retrieved 24 September 2010.

مسئولیت محض را می‌توان لحاظ کرد، ولی در صورت دوم به تناسب قاعده اولیه در مسئولیت مدنی می‌توان مبنای انتساب عرفی یا نظریه تقصیر را در نظر گرفت، هرچند نظریه انتساب عرفی با فقه امامیه سازگاری بیش‌تر دارد و از این نظر ارجحیت دارد.

در مورد نقض‌هایی که از طریق فیزیکی انجام می‌شود، گفته شده است که مسئولیت مدنی ناشی از نقض اختراع نظامی، چه در قانون و چه در آیین‌نامه پیش‌بینی نشده است و از طرف دیگر با توجه به تصریح ماده ۳۱ آیین‌نامه، در موارد سکوت و اجمال به قوانین دیگر رجوع می‌شود. بنابراین، در این راستا، چون اختراع نظامی از جنبه‌های عدیده با اختراعات صنعتی قرابت دارد، در تعیین مسئولیت مدنی نقض اختراع نظامی، قوانین حوزه اختراع صنعتی می‌تواند کارساز باشد. در قانون ثبت علایم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، علایم و نام‌های تجاری مصوب ۱۳۸۶، حکم صریحی در خصوص نقض اختراع وجود ندارد. پس باید با تحلیل مواد و نصوص قانون مصوب ۱۳۸۶ و قوانین عام به حکم روشنی رسید. از یک طرف ممکن است این‌گونه استدلال کرد که بند ماده ۱۵ قانون مصوب ۱۳۸۶، سخنی از تقصیر به میان نیاورده است. پس مسئولیت مدنی ناقض مبتنی بر مسئولیت محض است. در بند (ب) این ماده آمده است: «ب. مالک می‌تواند با رعایت بند (ج) این ماده و ماده (۱۷) علیه هر شخص که بدون اجازه او، بهره‌برداری‌های مندرج در بند (الف) را انجام دهد و به حق مخترع تعدی کند و یا عملی انجام دهد که ممکن است منجر به تعدی به حق مخترع شود، به دادگاه شکایت کند.» این احتمال به واسطه تحلیلی که در مبحث پیشین در مورد موقعیت ویژه اختراعات نظامی مطرح شد، تقویت می‌شود.

از طرف دیگر، با وحدت ملاکی که از مسئولیت کیفری برای ناقض حق اختراع (موجود در ماده ۶۱ قانون مصوب ۱۳۸۶) می‌توان گرفت، شاید بتوان ادعا کرد که مسئولیت ناقض مبتنی بر تقصیر است. این ماده مقرر می‌دارد: «هر شخصی که با علم و عمد مرتکب عملی شود که طبق مواد (۱۵)، (۲۸) و (۴۰) نقض حقوق به شمار آید یا طبق ماده (۴۷)، عمل غیر قانونی تلقی شود، مجرم شناخته شده و علاوه بر جبران خسارت به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه یا هر دوی آن‌ها محکوم می‌شود.» این دیدگاه با قاعده عامی که در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مبنی بر پذیرش تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت موافق است، با منطق قانون‌گذار سازگاری بیش‌تری دارد، خصوصاً این‌که استثناً از

یک قاعده عام، امری برخلاف قاعده است و برخلاف قاعده نیازمند تصریح قانون‌گذار است.^۱ با این وجود، با توجه به قسمت اخیر ماده ۶۱ مبنی بر این‌که «در دعوی مدنی راجع به نقض حقوق مالک اختراع در مواقعی که اختراع، فرآیند دستیابی به یک فرآورده باشد، در صورت وجود شرایط زیر، مسئولیت اثبات این‌که فرآورده از طریق آن فرآیند ساخته نشده است، به عهده خواننده دعوی نقض حق خواهد بود. در این صورت، دادگاه در صورت ارائه اسناد و مدارک، منافع مشروع خواننده دعوی نقض حق را از جهت عدم افشای اسرار تولیدی و تجاری وی در نظر خواهد گرفت: ۱. فرآورده جدید باشد؛

۲. احتمال قوی وجود داشته باشد که فرآورده با استفاده از فرآیند مزبور ساخته شده و مالک حقوق ثبت شده علی‌رغم تلاش‌های معقول نتوانسته است فرآیندی را که واقعاً استفاده شده، تعیین نماید».

در خصوص مسئولیت مدنی نقض اختراع نظامی نیز می‌توان همین رویه را اجرا کرد. وقتی اختراع نظامی، فرآیند دستیابی به یک فرآورده باشد، می‌توان گفت بار اثبات تقصیر بر عهده خواننده خواهد بود. این احتمال با این اشکال جدی روبه‌روست که با توجه به آیین‌نامه ثبت اختراعات نظامی، اختراعات نظامی از رژیم اسرار تجاری پیروی می‌کند و با محرمانگی درهم‌تنیده دیگر نمی‌توان فرض تقصیر برای آن در نظر گرفت. بنابراین، اثبات تقصیر هم‌چنان بر عهده خواهان خواهد بود.

به نظر می‌رسد استدلال‌هایی که به نفع احتمال دوم (مسئولیت مبتنی بر تقصیر) مطرح شده، به مراتب، از استدلال‌های احتمال اول (مسئولیت محض) قوی‌تر است، ولی با توجه به موقعیت خاص اختراعات نظامی، هم‌چنان تفصیلی که در ذیل حملات سایبری گفته شد، حاکم است.

بند دوم. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

در کنار اشخاص حقیقی، بخش قابل توجه و عمده نقض اختراعات نظامی توسط دولت‌های خارجی انجام می‌شود. دولت‌های خارجی که از لحاظ فناوری نظامی چندان موفقیت ندارند

۱. در کتاب‌های فقهی، فراوان از مفهوم خلاف قاعده و خلاف اصول استفاده می‌کنند و حتی در برخی از موارد به برخی از احکام آن نیز پرداخته‌اند. برای نمونه نک: شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، الرسائل (جلد ۱)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۲۱، ص ۴۷۴؛ بهبهانی، محمدباقر بن محمد، مصابیح الظلام (جلد ۹)، قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی، چاپ اول، ۱۴۲۴، ص ۲۴۶.

یا یک فناوری مشخص را در اختیار ندارند، سعی می‌کنند این فناوری‌ها را از کشورهای دارای فناوری‌های پیشرفته به دست آورند. عمده این دست‌یابی‌های غیر مجاز از طریق حملات سایبری انجام می‌شود؛ مانند اتهام‌های بسیار زیادی که به چین در دسترسی غیر قانونی به فناوری‌های روسیه و آمریکا وارد شده است. بر اثر حملات سایبری دولت‌ها، زمینه تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت فراهم می‌شود. در برخورد با مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حملات سایبری، دو نظام حقوقی حاکم است: برخی از کشورها سعی می‌کنند با تفسیر قوانین بین‌المللی، حملات سایبری را با مفاهیمی هم‌چون توسل به زور، تجاوز، حمله مسلحانه و منع مداخله در امور داخلی مرتبط بدانند و در نتیجه، پاسخ‌های صورت‌گرفته نیز در راستای این مفاهیم باشد.^۱ در مقابل این رویکرد، عمده صاحب‌نظران به جای تأکید بر مفاهیمی که بوی نظامی‌گری در آن جولان می‌دهد، سعی می‌کنند پاسخ حقوقی درخور ارائه دهند.^۲ در پیش گرفتن رویکرد اخیر، مسئولیت مدنی دولت‌ها در حوزه بین‌المللی را به ارمان می‌آورد.

در حقوق بین‌الملل، تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (در حوزه مسئولیت مدنی) مبتنی بر انتساب یک عملکرد یا فعالیت به دولت است؛ بدین معنا که اگر عملکردی منتسب به دولتی باشد، آن دولت، مسئول عواقب عملکرد مورد نظر خواهد بود و در نتیجه، لازم نیست که به طور حتم، عملکردی توسط دولت‌ها انجام شود، بلکه همین که به دولت‌ها منتسب شود، مسئولیت دولت‌ها را در پی دارد. در تعیین این مبنا که بسیار شبیه به نظریه انتساب عرفی در فقه امامیه و دیدگاه برخی از حقوق‌دانان داخلی است، میان حملات سایبری و حملات فیزیکی، تفصیلی قائل نشده‌اند.

انتساب حملات به دولت‌ها گاهی ناشی از فعل ارگان‌های دولتی است، بدین معنا که سازمان‌های دولتی به حملاتی از قبیل حملات سایبری دست می‌زنند. ماده ۵ پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مقرر می‌دارد: «از نظر مقررات حاضر، اقدام هر یک از نهادهای دولتی که به موجب حقوق داخلی دولت مربوط دارای عنوان است، طبق حقوق بین‌الملل، عمل آن دولت محسوب می‌شود،

1.. Haataja, Samuli, *Cyber Attacks and International Law on the Use of Force: an Informational Approach*, Griffith Law School, Thesis (Ph.D Doctorate), p.58.

2. Matthew C. Waxman, *Cyber A Cyber Attacks as "attacks as "Force" Under UN Char" Under UN Charter Article 2(4)* title 2(4), Columbia Law School, 2011, p. 49.

مشروط بر این که آن نهاد در مسئله مورد نظر در صلاحیت مربوطه خود اقدام کرده باشد». مفاد این ماده، نسخه تعدیل شده ماده ۴ پیش نویس کمیسیون حقوق بین الملل است که در آن، هر گونه عملکرد ارگان های دولتی را منتسب به دولت می داند، ولو این که در خارج از صلاحیت ها و اختیارات خود عمل کرده باشد.^۱

گاهی انتساب حملات به دولت ها ناشی از فعل اشخاص حقیقی است؛ بدین معنا که اشخاص حقیقی اقدام به حملات سایبری می کنند. اصل کلی در حقوق بین الملل این است که دولت ها، مسئول اعمال اشخاص حقیقی نیستند.^۲ بند ۱ ماده پیش نویس مقرر می دارد: «اقدام شخص یا گروهی از اشخاص که عمل آن ها از جانب دولت نیست، طبق حقوق بین الملل، عمل دولت محسوب نمی شود». با وجود این اصل کلی، در موارد استثنایی، دولت ها مسئولیت اعمال اشخاص حقیقی را بر عهده دارند و این در صورتی است که اشخاص حقیقی منتسب به دولت باشند. در مورد معیار و زمان تحقق این انتساب، اختلاف نظر بسیار شدیدی وجود دارد و عملاً نه در رویه قضایی وحدت نظر هست و نه در دکترین حقوقی. برخی اظهار داشته اند که عملکرد اشخاص حقیقی در صورتی منتسب است که در استخدام دولت باشند و در جایگاه و مقام دولتی اقدام به حمله سایبری کرده باشند. در تفسیر ماده ۴ طرح پیش نویس مسئولیت بین المللی دولت مبنی بر این که رفتارهای متخلفانه ارگان های دولتی قابل انتساب به آن دولت خواهد بود، چنین آمده است: «هیچ تمایزی میان اعمال مأموران مافوق و مادون به عمل نیامده است، مشروط بر این که آن ها در سمت رسمی خویش عمل کرده باشند». ماده ۸ پیش نویس هم مقرر می دارد: «رفتار شخص یا گروهی از اشخاص به موجب حقوق بین الملل، فعل دولت تلقی می شود، در صورتی که شخص یا اشخاص مزبور در انجام رفتار مزبور به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت عمل کنند».

برخی دیگر از معیار کنترل بهره گرفته اند؛ بدین معنا که اگر دولت بر اشخاص کنترل داشته باشد، عملکرد آن ها منتسب به دولت خواهد بود؛ منتها در این که چه کنترلی این انتساب را رقم می زند،

۱. مقتدر، هوشنگ، حقوق بین الملل عمومی، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۰؛ ابراهیم گل، علی رضا، مسئولیت بین المللی دولت ها، تهران: شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۴۴.

2..Elena Laura Álvarez Ortega, *The attribution of international responsibility to a State for conduct of private individuals within the territory of another State*, 2014, p. 2.

اختلاف نظر وجود دارد. برخی از کنترل کامل سخن به میان آورده‌اند و برخی دیگر، از کنترل مؤثر^۱ عده‌ای نیز گفته‌اند اگر حملات سایبری به گونه‌ای باشد که جز از طریق حمایت‌های دولتی امکان پذیر نباشد، آن حملات منتسب به دولت خواهد بود. بنا بر نظر برخی دیگر، همین که دولت از اشخاص حقوقی، حمایت مالی داشته باشد، برای انتساب حملات به دولت کافی است و در نهایت، عده‌ای نیز از معیار ارتباط بهره جستند. مطابق این معیار، صرف این که دولت با اشخاص حقوقی مرتبط ارتباط قابل توجهی داشته باشد، انتساب حملات محقق می‌شود.

با وجود این اتفاق نظر در طرح مسئله به صورت یادشده، برخی از نویسندگان داخلی سعی کرده‌اند طرح مسئله انتساب را به گونه‌ای پیش ببرند که با آنچه در مسئولیت مدنی حقوق داخلی گفته می‌شود، تطبیق پیدا کند. از این رو، گروهی از آنان در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، از نظریه تقصیر پیروی کرده‌اند؛ بدین معنا که تلقی مسئولیت برای دولت‌ها به این وابسته است که تخلف صورت گرفته. مانند حمله سایبری. ناشی از تقصیر باشد. عده‌ای نیز مبنای انتساب را نظریه خطر دانسته‌اند؛ بدین معنا که هر دولتی که مرتکب فعل خطرآفرین شود، مسئول خسارت آن عمل است. گروهی نیز از نظریه مسئولیت محض پیروی کرده‌اند، به این معنا که صرف این که خسارتی به بار آمده باشد، برای ایجاد مسئولیت کافی است. در ادامه برای هر کدام از این نظریه‌ها نیز آثار و پی‌آمدهایی در نظر گرفته‌اند.

بدین ترتیب، در حقوق بین‌الملل، از جمله در پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، اگر دولت‌ها مرتکب تخلفی شده باشند و انتساب به دولت نیز محقق شده باشد، سه نوع مسئولیت برای دولت‌ها ایجاد می‌کند: توقف تخلف (ماده ۳۰)، اعاده وضع به حالت سابق (ماده ۳۱) و غرامت (۳۶). نظریه مسئولیت محض به این معناست که دولت متخلف صرفاً موظف به پرداخت غرامت است، برخلاف نظریه تقصیر و خطر که دولت‌ها موظفند هر سه مسئولیت پیشین را بر عهده بگیرند.^۲ تتبع در منابع خارجی و داخلی نشان می‌دهد که در طرح مسئله به نظریه‌هایی

۱. نک: مافی، همایون و سعید یزدانی، «معیارهای انتساب اعمال شورشیان به دولت در حقوق بین‌الملل»، پژوهش‌نامه حقوق تطبیقی، ۱۳۹۴، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۵۵-۱۷۴.

۲. ضیایی، سید یاسر و مونا خلیل‌زاده، «مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از حملات سایبری»، پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۹۲، شماره ۲۳، ص ۱۰۴.

از این دست تمسک نکرده‌اند، بلکه آن چه مطرح شده، این است که چگونه فعالیت شخصی یا اشخاصی (حقیقی یا حقوقی) می‌تواند متناسب به دولت باشد. در این راستا هم نظریه‌های گوناگونی ابراز شده است.

به نظر می‌رسد بنا بر آن چه گفته شد، اگر نقض اختراعات نظامی به دولت‌ها منسوب باشد، آن دولت، مسئول جبران خسارت‌ها خواهد بود، فارغ از این‌که آن دولت مقصر باشد یا نه؛ عملکرد خطرآفرین داشته باشد یا نه. در واقع، این نوع نگاه به مسئولیت بین‌المللی دولت، نگاهی فراتر از نگاه حقوق داخلی است و همه ملاحظات سیاسی، امنیتی، اقتصادی در نظر گرفته می‌شود و دیگر عذرهایی هم چون ناتوانی اقتصادی و خطرپذیری در بطن تحلیل قرار نمی‌گیرد، بلکه احراز انتساب مهم است؛ برخلاف مسئولیت مدنی در حقوق داخلی که ملاحظات اولیه و ثانویه به وضوح در آن مؤثر است.

بند سوم. نقش دستگاه‌های اداری و اجرایی در نقض اختراعات نظامی

چه بسا ممکن است نقض اختراعات نظامی، خواه در قالب حملات سایبری باشد و خواه از طرق فیزیکی. ناشی از عملکرد دستگاه‌های اداری و اجرایی باشد؛ به این معنا که عملکرد دستگاه‌های مربوط به نوعی راه را برای تسهیل حملات سایبری و نقض‌های فیزیکی فراهم کند. برای مثال، در اختراعات نظامی دومنظوره ممکن است دستگاه‌های اداری و اجرایی، ضوابط ایمنی را در به‌کارگیری جنبه‌های غیر نظامی اختراع نظامی رعایت نکرده باشند. این مسئله در سال‌های اخیر بسیار رخ داده، به طوری که مکرر مشاهده شده به دلیل نقض ایمنی، اطلاعات عمده دستگاه اجرایی یا سازمان‌های مرتبط به آن به سرقت رفته است.

اگر دستگاه اداری یا اجرایی یکی از عوامل تسهیل‌کننده نقض اختراعات نظامی باشد، در این صورت، مسئولیت مدنی آن‌ها چگونه قابل تحلیل است؟ ممکن است برخی استدلال کنند که قانون‌گذار در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ مقرر می‌دارد: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارد می‌باشند، ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در این صورت، جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است، ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه

اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود». در این ماده، قانون‌گذار از یک طرف میان تقصیر شخصی و تقصیر اداری تفاوت گذاشته است و در نتیجه، در تقصیر شخصی، دولت را مسئول جبران خسارت نمی‌داند و کارمند خاطی را مسئول خسارت معرفی می‌کند. از طرف دیگر، میان اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی تفاوت گذاشته است و در نتیجه، در اعمال حاکمیتی، دولت را مسئول جبران خسارات نمی‌داند.

بنا بر آن چه گفته شد، اگر دستگاه مربوط بر اثر اجرای اعمال حاکمیتی باعث تسهیل نقض اختراع نظامی شده باشد، دیگر دولت، مسئول جبران خسارت نخواهد شد، ولی اگر بر اثر اجرای اعمال تصدی باعث تسهیل نقض شود، مسئول جبران خسارت خواهد شد. این جبران خسارت نیز مبتنی بر نظریه تقصیر است؛ زیرا ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی صراحتاً نظریه تقصیر را مبنای تقصیر می‌پذیرد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». افزون بر آن، صدر ماده ۱۱ قانون یاد شده که به مسئولیت مدنی دولت می‌پردازد، مقرر می‌دارد: «به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند». تعبیر «عمداً» و «بی احتیاطی» حاکی از اِبتنای مسئولیت مدنی دولت بر نظریه تقصیر است.

از سوی دیگر، ممکن است برخی چنین استدلال کنند که با توجه به انتقادهای وارد شده بر نظریه تفکیک میان اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی و موقعیت ویژه اختراع نظامی در منظومه امنیت ملی، این ماده قابل اعمال نیست. توضیح مطلب این است که ذیل ماده ۱۱ قانون یاد شده از جنبه‌های مختلف نقد شده است. برخی اظهار داشته‌اند که اصولاً نظریه تفکیک میان اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی بسیار محدود شده است و به طور مطلق اجرا نمی‌شود. عده‌ای نیز این تفکیک را در مغایرت با مبانی فقهی می‌دانند؛ زیرا در فقه اسلامی اصولاً در ضمان متلف فرقی میان اشخاص حقیقی و دولت تفاوتی وجود ندارد؛ هم‌چنان‌که نمونه‌های فراوانی از اعمال حاکمیتی وجود دارد که در فقه اسلامی، او را مسئول شناخته‌اند. برای مثال، در قضاوت به عنوان یکی از اعمال حاکمیتی، قضات، مسئول شناخته شده‌اند. گروهی نیز این تفکیک را با قواعد عام مسئولیت مدنی ناسازگار

می‌دانند؛ بدین معنا که مطابق قواعد عام مسئولیت مدنی، اصل بر جبران کامل خسارات است، حال آن‌که با اعمال این تفکیک، بخشی از خسارات جبران نمی‌شود.^۱

هر چند دیدگاه نخست وفق قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ است، ولی در اختراعات نظامی که پای امنیت ملی در میان است، نمی‌توان مسئولیت اشخاص را - خواه حقیقی و خواه حقوقی، خواه دولتی و خواه غیر دولتی - بر دیدگاه‌هایی مبتنی کرد که امکان سهل‌انگاری را فراهم می‌کند. پس در مسئولیت مدنی دستگاه‌های اداری و اجرایی در خصوص نقض اختراعات نظامی باید تجدید نظر کرد و دیدگاه‌های تشدید را برگزید. در نتیجه، در مواردی که تسهیل‌گری دستگاه‌های مربوط احراز شود، باید دستگاه مربوط را مسئول جبران خسارت دانست، هر چند تقصیر نداشته باشد یا در حیطه اعمال حاکمیتی باشد.

نتیجه‌گیری

اختراعات نظامی اصولاً با امنیت ملی ارتباط تنگاتنگی دارد؛ چون اختراعات نظامی باعث تقویت بنیه نظامی و دفاعی کشور می‌شود و توان نظامی و دفاعی در میانه منظومه امنیت ملی نقش کلیدی بازی می‌کند. در بیش‌تر سندهای امنیت ملی کشورهای توسعه‌یافته، توان نظامی در تعریف امنیت ملی گنجانده شده است: «امنیت ملی، ترکیبی مناسب و تهاجمی از انعطاف و بلوغ سیاسی، منابع انسانی، ساختار و ظرفیت اقتصادی، شایستگی فناوری، پایگاه صنعتی و در دسترس بودن منابع طبیعی و در نهایت، توان نظامی است». این ارتباط تنگاتنگ باعث می‌شود که نوع نگاه به مسئولیت مدنی نقض اختراع نظامی نیز تغییر یابد. در نتیجه، باید فارغ از قواعد اولیه و ثانویه مسئولیت مدنی به آن نگریم. این نوع نگره به مسئولیت مدنی نقض اختراعات نظامی با التفات به دو نکته تقویت می‌شود:

۱. سیر ثبتي اختراعات نظامی در بیش‌تر کشورها غالباً از رژیم اسرار تجاری یا نهایتاً از رژیم مالکیتی محرمانه بهره می‌گیرد.

۲. وفق برخی نظریه‌ها، رویکرد وحدت‌گرا به مبانی مسئولیت مدنی با اهداف قواعد عام مسئولیت مدنی سازگاری ندارد.

۱. فیروزآبادی، حسین، حسین جاویر و طاها زرگریان، «مسئولیت مدنی دولت در قبال رفتار زیان‌بار حاکمیتی»، مجله حکومت اسلامی، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۲.

به همین دلیل، برخی نویسندگان در سال‌های اخیر، رویکرد انتقادی به مبانی مسئولیت مدنی در حقوق داخلی داشتند و از این جهت که قانون‌گذار نگاه کثرت‌گرا به مصادیق مسولیت مدنی ندارد، آن را نقد کرده‌اند.

نقض اختراعات نظامی دارای دو بعد کلی است: بعد اول آن مربوط به نقض اختراعات نظامی از سوی اشخاص حقیقی و دولت‌هاست و بعد دیگر آن مربوط به تسهیل‌گری دستگاه‌های اداری و اجرایی است. در بعد اول، اگر نقض صورت‌گرفته از سوی کشورهای دیگر باشد، خواه در قالب سازمان‌های دولتی و خواه در قالب اشخاص حقیقی، با توجه به پیوند ناگسستی اختراعات نظامی و امنیت ملی، باید شدیدترین مبنای مسئولیت مدنی - مسئولیت محض - را در نظر گرفت. اگر توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر دولتی صورت گرفته باشد و اختراع نقض شده، حیاتی یا ضروری نباشد، می‌توان از قواعد عام مسئولیت مدنی بهره گرفت که بیش‌تر حول محور نظریه تقصیر می‌چرخد.

در مورد نقش تسهیل‌گری دستگاه‌های اداری و اجرایی باید گفت قانون‌گذار در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ میان تقصیر شخصی و تقصیر اداری تفاوت گذاشته است. در نتیجه، در تقصیر شخصی، دولت را مسئول جبران خسارت نمی‌داند و کارمند خاطی را مسئول خسارت معرفی می‌کند. هم‌چنین میان اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی تفاوت گذاشته شده است. پس در اعمال حاکمیتی، دولت را مسئول جبران خسارات نمی‌داند. با این حال، چون در اختراعات نظامی پای امنیت ملی در میان است، نمی‌توان مسئولیت اشخاص را - خواه حقیقی و خواه حقوقی، خواه دولتی و خواه غیر دولتی - بر دیدگاه‌هایی مبتنی کرد که امکان سهل‌انگاری را فراهم می‌کند. پس در مسئولیت مدنی دستگاه‌های اداری و اجرایی در خصوص نقض اختراعات نظامی باید تجدید نظر کرد و دیدگاه‌های تشدید را برگزید. در نتیجه، در مواردی که تسهیل‌گری دستگاه‌های مربوط احراز شود، باید دستگاه مربوط را مسئول جبران خسارت دانست، هرچند تقصیر نداشته باشد یا در حیطه اعمال حاکمیتی باشد.

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. ابادری فومشی، منصور، *ترمینولوژی حقوقی نوین (جلد ۱)*، تهران: انتشارات شهید داریوش نوراللهی، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۲. ابراهیم گل، علی رضا، *مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها*، تهران: شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مب سوط در ترمینولوژی حقوق (جلد ۱)*، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۸.
۴. رهبری، ابراهیم، *حقوق اسرار تجاری*، تهران: سمت، چاپ پنجم، ۱۳۹۶.
۵. صفایی، سید حسین و همکاران، *حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
۶. عمادزاده، محمدکاظم، *حقوق بازرگانی (جلد ۱)*، تهران: آموخته، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
۷. کاتوزیان، ناصر، *الزام‌های خارج از قرارداد*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۸. کاتوزیان، ناصر، *دوره مقدماتی حقوق مدنی: وقایع حقوقی مسئولیت مدنی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم، ۱۳۹۰.
۹. مقتدر، هوشنگ، *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲.
۱۰. میرحسینی، سید حسن، *مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی*، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

ب) مقاله

۱. ابهری، حمید و حمید میری، «مطالعه تطبیقی مبانی مسئولیت مدنی ارائه‌کنندگان خدمات اینترنتی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۳.
۲. بابایی، ایرج، «مسئولیت مدنی: منطق واحد یا متکثر»، مجله پژوهش حقوق خصوصی، مهر ۱۴۰۲، شماره ۴۴، صص ۹۷-۱۳۰.
۳. پارسامهر، ابراهیم و محمود صادقی، «نظام حقوقی حاکم بر ثبت اختراعات نظامی در ایران و آمریکا»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره بیست و سوم، شماره ۱، ۱۳۹۸، صص ۲۳-۴۵.

۴. رحیمی، حبیب‌الله و سید نورالله شاه‌رخی، «مطالعه انتقادی کثرت‌گرایی و برخی نظریات کثرت‌گرا در حوزه مبانی فلسفی مسئولیت مدنی»، مجله حقوق تطبیقی، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، شماره ۲۶، صص ۵۷۷-۶۰۱.
۵. شاکری، زهرا و زهرا بهادری جهرمی، «سخنی در انواع نظام‌های ثبت اختراع؛ با نگاهی به برخی اصول ثبتی»، تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، زمستان ۱۳۹۷، شماره ۱، صص ۱۹۱-۲۱۳.
۶. ضیایی، سید یاسر و مونا خلیل‌زاده، «مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از حملات سایبری»، پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۹۲، شماره ۲۳.
۷. فیروزآبادی، حسین، حسین جاور و طاها زرگریان، «مسئولیت مدنی دولت در قبال رفتار زیان‌بار حاکمیتی»، مجله حکومت اسلامی، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۲.
۸. منصوریان، ناصرعلی و عادل شیبانی، «مفهوم منفعت عمومی و جایگاه آن در قانون‌گذاری ایران»، دوفصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، شماره ۷۵ و ۷۶، صص ۱۱۷-۱۴۲.
۹. میرشمسی، محمدهادی و امیر ناظری، «حقوق مادی مخترعین صنایع دفاعی» (مطالعه تطبیقی در چین، روسیه، آمریکا و ایران)، مجله سیاست دفاعی، زمستان ۱۳۹۷، شماره ۱۰۵، صص ۱۰۹-۱۴۴.

۲. عربی

۱. بهبهانی، محمدباقر بن محمد، مصابیح الظلام (جلد ۹)، قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی، چاپ اول، ۱۴۲۴.
۲. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، الرسائل، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۲۱.
۳. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية (جلد ۱۰)، قم: مکتبه الداوری، ۱۴۱۰.

3. Latin Source

1. Brandon Valeriano and Ryan Maness. Cyber War versus Cyber Realities: Cyber Conflict in the International System (Oxford: Oxford University Press, 2015).
2. BreeFeng, "Among Snowden Leaks, Details of Chinese Cyberespionage," New York Times, Jan-

- uary 20, 2015: www.sinosphere.blogs.nytimes.com/2015/01/20/among-snowden-leaks-details-of-chinese-cyberespionage.
3. Brown, Harold, (1983) *Thinking about national security: defense and foreign policy in a dangerous world*. As quoted in Watson, Cynthia Ann (2008).
 4. Carl Roper, *Trade Secret Theft, Industrial Espionage, and the China Threat*. Boca Raton: CRC Press, 2014.
 5. Center, Mandiant Intelligence, “APT1: Exposing one of China’s cyber espionage units”: www.Mandian.com.
 6. Defense Industrial Base Capabilities Study, Office of the Under Secretary of Defense (Industrial Policy), *Transforming the Defense Industrial Base: A Roadmap*, (February 2003).
 7. Elena Laura Álvarez Ortega, *The attribution of international responsibility to a State for conduct of private individuals within the territory of another State*, 2014.
 8. Gilli, Andrea, and Mauro Gilli, “The Diffusion of Drone Warfare? Industrial, Organizational, and Infrastructural Constraints”, *Security Studies* 25, No. 1 (2016): 50–84.
 9. Haataja, Samuli, *Cyber Attacks and International Law on the Use of Force: an Informational Approach*, Griffith Law School, Thesis (Ph.D Doctorate).
 10. Hasik, James, “Better Buying Power or Better Off Not? Purchasing Technical Data for Weapon Systems”, *Defense Acquisition Research Journal*, 21 (3) (July 2014).
 11. Horowitz, M. C., & Pindyck, S. (2023). What is a military innovation and why it matters. *Journal of Strategic Studies*, 46(1), 85–114: www.doi.org/10.1080/01402390.2022.2038572.
 12. João Resende-Santos, *Neorealism, States, and the Modern Mass Army* [Kindle Edition] (New York: Cambridge UP, 2007), 47–8.
 13. Matthew C. Waxman, *Cyber A Cyber Attacks as “attacks as “Force” Under UN Char” Under UN Charter Article 2(4) title 2(4)*, Columbia Law School, 2011.
 14. Morrison, James, *Intellectual Property & National Security*, 6 U. Cin. Intell. Prop. & Computer L.J. (2021) Available at: www.scholarship.law.uc.edu/ipclj/vol6/iss1/8.
 15. Office of the Deputy Secretary of Defense (Industrial Policy), *Defense Industrial Base Capabilities Study: Command and Control*, (June 2004), 21–22.
 16. Paleri, Prabhakaran (2008). *National Security: Imperatives And Challenges*. New Delhi: Tata McGraw-Hill. ISBN 978-0-07-065686-4.

17. Philip Dorling, "China Stole Plans for a New Fighter Plane, Spy Documents Have Revealed," Sydney Morning Herald, January 18, 2015 :www.smh.com.au/national/china-stoleplans-for-a-new-fighter-plane-spy-documents-have-revealed-20150118-12sp1o.h.
18. Robert Farley and Davida H. Isaacs. Intellectual Property and Military Diffusion, 2013 American Political Science Association Conferen.
19. Romm, Joseph J. (1993), Defining national security: the nonmilitary aspects, Pew Project on America's Task in a Changed World (Pew Project Series). Council on Foreign Relations.
20. Stuart Macdonald, "Nothing Either Good or Bad: Industrial Espionage and Technology Transfer," International Journal of Technology Management 8 (1/2) (1993).
21. Talmon, Stefan (2009), "The Various Control Test In The Law of State Responsibility and The Responsibility of Outside Power for Acts of Secessionist", International and Comparative Law Quarterly, Oxford University.
22. Vincent, James, "Schematics from Israel's Iron Dome Missile Shield 'Hacked' by Chinese, Says Report," The Independent, July 29, 2014:www.independent.co.uk/life-style/gadgets-and-tech/israels-irondome-missile-shield-hacked-by-chinese-military-hackers-says-report-9635619.ht.
23. Wendell Minnick, "Experts: China Still Lags West in Advanced Aircraft Technologies," Defense News, August 3, 2014:www.archive.defensenews.com/article/20140803/DE-FREG03/308030011/Experts-China-Still-Lags-West-Advanced-Aircraft-Technologies.

Civil liability resulting from violation of military patent rights in Iran's legal system

Seyed Mohammad Amin Hosseini¹

Majid Vaziri²

Morteza Chitsazian³

Abstract

Military inventions like other inventions have certain rights; As a result of violating these rights, the violators are subject to civil liability; However, determining the basis of civil liability of violators of military patent rights, entails additional difficulties; Because, today, unlike industrial inventions, which have certain legal protection; Military inventions do not have such strong support; Because, and on the other hand, in countries that follow the regime of property rights, this compliance is often absolute. is not; Therefore, it can practically be claimed that the dominant regime in military inventions is the secret regime; Therefore, mainly the violation of inventors' rights has lost the ability to be compensated; And on the other hand, military inventions are inextricably linked with concepts such as military power and national security, and therefore this link leads to the most severe basis of civil responsibility; A matter that is often seen as an exception in the violation of other rights, In this research, we are looking for an answer to the question, what are the basic criteria for civil liability in military inventions, and finally, what is the appropriate basis for these violations? The results of the research show that the violation of these inventions is subject to two specific criteria: Who has violated? What invention has been infringed? Each of these criteria requires its own specific basis.

KeyWords: civil liability, military inventions, inventor's rights, property rights, national security.

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. s.hosseini2723@iau.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), maj.vaziri@iauctb.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Private Law, Shahid Motahari University (RA), Tehran, Iran. Email:m.chitsazian@motahari.ac.ir